

به مناسبت سالروز انقلاب ۱۳۵۷ ایران



بیانیهی دو نهاد جمهوریخواه و لائیک ایران

انقلاب ۱۳۵۷ ایران، قیام بزرگ میلیون‌ها نفر از مردم، از اقشار مختلف اجتماعیِ فرودست، میانه تا مرفه، از اقشار سنتی تا مدرن بود، که ۷۴ سال پس از انقلاب مشروطه (۱۲۸۴ - ۱۹۰۵) و ۲۸ سال پس از جنبش ملی‌کردن صنعت نفت (۱۳۲۹ - ۱۹۵۱)، سرانجام نظام تاریخیِ پادشاهی در ایران را منقرض کردند. عوامل اجتماعی گوناگونی شرایط برآمدن این انقلاب را فراهم نمودند:

- خودکامگی طولانی شاه و دستگاه حکومتیِ نامحدود، انحصاری و فردیِ او، سبب اصلیِ نارضایتی مردم نسبت به چنین سیستمی و در نتیجه خواستِ عمومی و سراسری آنان در برچیدن بساط سلطنت شد. سرنگونی رژیم شاه به یکی از شعارهای اصلی انقلاب مبدل شد.

- گسترش فساد و چپاول، رشد بی‌عدالتی‌ها و شکافهای اجتماعی و طبقاتی، به ویژه بین اقلیتی کوچک که بیشترین سهم را از ثروت‌های اجتماعی تصاحب و حیف و میل می‌کرد و اکثریتی بزرگ از شهرنشینان تا روستائیان، از مناطق مرکزی تا پیرامونی، که کمابیش زندگی را در تنگدستی یا نابسامانی به سر می‌کردند و در نتیجه خواهان تقسیم عادلانه‌ی ثروت‌های اجتماعی و اقتصادی و سهم‌بری از آن‌ها شدند. عدالت اجتماعی به یکی دیگر از خواست‌های اصلی انقلاب تبدیل شد.

- فشار و اختناق از سوی دستگاه‌های امنیتی چون سازمان مخوف ساواک، سرکوب نارضايتی‌ها و سانسور گسترده، نبود آزادی بیان و قلم، آزادی‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی، اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی و عقیدتی که بیش از همه اقشار مدرن، روشنفکر و فرهنگی جامعه را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند... خواست آزادی را در سرلوحه‌ی شعارهای انقلاب جای داد.

- سرانجام وابستگی کشور و سرسپردگی رژیم شاه به آمریکا، موضوع کسب استقلال کشور را به یکی دیگر از شعارهای انقلاب تبدیل کرد.

اما چندی کوتاه در فردای انقلاب، با سقوط سلطنت و نظام پادشاهی، نظام جدیدی به نام جمهوری اسلامی در ایران برقرار شد که همچنان تا امروز حاکم است. این نظام برخاسته از انقلاب چیزی نبود و نیست جز سلطه و حاکمیت استبداد انحصاری و خودکامه‌ی روحانیون شیعه و بنیادگرایان دینی. به‌زودی برای همگان از جمله خود مردم ایران که در انقلاب فعالانه شرکت کردند آشکار شد که در جامعه‌ی ما يك نیروی تاریخی، پر قدرت و با نفوذی در شکل دین‌سالاری اسلامی، مانع بزرگ بر سر راه کسب آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی است. شوربختانه، انقلاب بزرگ مردمی ۱۳۵۷ با سه خواست آزادی، عدالت اجتماعی و استقلال، به شکستی بی‌همتا و مهیب در تاریخ معاصر ایران، خاورمیانه و چه بسا جهان انجامید. هیچ یک از سه خواست اصلی برانگیزنده‌ی انقلاب برآورده نشدند. خودکامگی و دیکتاتوری شاه برافتاد اما به جای آن خودکامگی حکومت دینی و ولایت فقیه در شکل و ابعادی مخوف‌تر از رژیم قبلی نشست. نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی نه تنها کاهش پیدا نکردند بلکه با تبعیض‌های گوناگون ناشی از حکومت مبتنی بر قوانین دینی و شریعت اسلام شدیدتر هم شدند. آزادی‌ها در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی و مدنی سرکوب و با زن ستیزی و تحمیل حجاب از روز نخست بازگشت خمینی به ایران و پایمال کردن آشکار و بی‌شرمانه‌ی حقوق بشر، زندان و اعدام‌های نجومی... همراه شدند. سرانجام در موضوع عدم وابستگی و استقلال، رژیم جمهوری اسلامی ایران، با بستن قراردادهای اسارت‌بار استراتژیکی در این سال‌های اخیر، تنها دست به یک جابجایی جغرافیایی وابستگی کشور ما به قدرت‌های استیلاطلب بیگانه (روسیه و چین) زده است.

اکنون با گذشت ۴۶ سال از انقلاب بهمن ۵۷، می‌توان به چند عامل اصلی شکست این حرکت تاریخی اشاره کرد. این‌ها عوامل عینی و ذهنی درون‌رای بودند که زمینه‌ساز شکل‌گیری دیکتاتوری و

استبدادی دیگر در ایران شدند:

- عامل «همه با هم» (بخوان همه با من) انقلاب: در انقلاب ۵۷، اختلافها و تضادهای اجتماعی، سیاسی و طبقاتی امکان، فرصت و توانایی بروز و چالش را پیدا نکردند. زیرا که برای حفظ یکپارچگی و تضمین پیروزی، به تقریب از سوی همه نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب، مسکوت گذارده شدند. نتیجه آن که در جریان انقلاب، شرایطی به وجود نیامد که گروه‌های اجتماعی و سیاسی شکل‌بگیرند. در تعامل و کُنش باهم قرار گیرند، دموکراسی پلورالیستی را آزمون کنند. از یک سو بخشی از گرایش‌های سیاسی در داخل کشور، از جمله در میان نیروهای ملی و چپ، سرکوب شده بودند و از سوی دیگر، فرهنگی که به ایدئولوژی حاکم بر انقلاب تبدیل شده بود، در خود، روحی ضددموکراتیک، یگانه گرا، تمامیت‌خواه یا توتالیتار می‌پروراند.

- عامل غیر اثباتی - غیر ایجابی انقلاب: چون براندازی رژیم شاه به مهم‌ترین هدف انقلاب تبدیل گردید، هدف‌های مهم دیگر و مسأله‌ی کدام آلترناتیو در برابر سلطنت، موضوع بحث و جدل مردم و گروه‌های شرکت‌کننده در انقلاب قرار نگرفت. ذهنیت انقلاب ایران خصلتی نفی‌کننده داشت و نه اثباتی یا ایجابی.

- عامل دین‌گرایی و نقش بارز، تعیین‌کننده و تبعیض‌گرای دستگاه دین و روحانیت در انقلاب: این عامل با حقوق بشر و ارزش‌های جهان‌شمول آن چون آزادی، دموکراسی، پلورالیسم، حقوق بشر و شهروندی، برابری زن و مرد، جدایی دولت و دین، برابر حقوقی اقوام (اِتنی‌ها) و اقلیت‌ها... در تعارضی آشکار و مطلق قرار دارد.

- عامل کسری دموکراسی‌خواهی در انقلاب: به طوری که تبلیغ و ترویج دموکراسی و دفاع از اصول آن هیچ‌گاه در جریان انقلاب تبدیل به وظیفه‌ی اصلی مبارزان، حتا در میان روندهای آزادی‌خواه و چپ، نشد.

اکنون به مناسبت چهل و ششمین سالروز انقلاب ایران، درس مهمی که می‌توان از ناکامی‌ها گرفت، فراخواندن همگی به پذیرش ضرورت تعامل طرح‌های اجتماعی و سیاسی، با مشارکت و مداخله مستقیم خود مردم است. امروزه، بر پایه نفی و رد نظام‌های پادشاهی، دین‌سالاری و توتالیتارِ راست و چپ، سه اصل تفکیک‌ناپذیر جمهوری، دموکراسی و لائسیته همراه با عدالت اجتماعی و رفاه عمومی می‌توانند

پاسخگوی نیازهای تاریخی کنونی جامعه ایران قرار گیرند. خروج از وضعیت بحرانی کنونی کشور در گرو رشد و گسترش جنبشهای تغییردهنده اجتماعی در داخل کشور است. جنبشهایی که نسبت به اوضاع و آن چه که می‌خواهند جانشین نظام جمهوری اسلامی کنند آگاه و هوشیار باشند. جنبشهای سال ۱۳۸۸، دی ۱۳۹۶، مرداد ۱۳۹۷ و آبان ۱۳۹۸ و سرانجام و به‌ویژه خیزش بزرگ و انقلابی □□□□□□ □□□□□□، چهره پلید این نظام ضد انسانی را بر همه آشکار ساخته است. اکثریت عظیم مردمان ایران، از دانشجویان، زنان، زحمتکشان، فرهنگیان تا اقوام (اتنی‌ها) زیر ستم و... دیگر هیچ توهمی نسبت به توانایی این رژیم در اصلاح خود ندارند و از هر فرصتی برای اعتراض و مقابله با حکومت اسلامی با هدف براندازی آن استفاده کرده و خواهند کرد.

در خارج از کشور، روندهای سیاسی مختلف می‌توانند حول سه شعار جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین یا لائیسیت، با حفظ ویژگی‌ها و اختلافهای خود، دست به همکاری و هم‌کوشی زنند و این مهم را به طور اساسی با هدف پشتیبانی از جنبشهای اجتماعی و مدنی داخل ایران و تبدیل این سه شعار به گفتمان مسلط آنان، به پیش برند.

به یقین تنها نیروی منسجم و تشکلیافته جنبشهای اجتماعی داخل کشور است که توان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران به دست خود و برای خود را دارند. این مهم نیز تنها از راه مبارزات و اعتراضات پایدار و مستمر خود مردم درون کشور بدون اتکا بر قدرتهای خارجی و یا رهبریهای خودساخته فردی یا حزبی در خارج از کشور، میسر خواهد بود.

ما به مناسبت سالروز انقلاب ۱۳۵۷ ایران، بار دیگر بر تعهد همه جانبه خود در دفاع و پشتیبانی از مبارزات و جنبشهای مدنی و اجتماعی مردم ایران برای کسب آزادی، جمهوری، دموکراسی، لائیسیت و عدالت اجتماعی تاکید می‌ورزیم.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

حزب جمهوریخواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران

۲۱ بهمن ۱۴۰۳ - ۹ فوریه ۲۰۲۵

